

قصران ری

بقلم آقای منوچهر ستوده

قصران چنانکه از نوشته های قدما برمی آید نام ناحیه کوهستانی دو دودامنه کوه شمیران است، قسمتی را که در جنوب آن واقع شده و متوجه ری قدیم و طهران حالیه است قصران بیرونی یا خارج یا سفلی و قسمت دیگر را قصران درونی یا داخل یا علیا میگفتند.

در باره اشتقاق و معنی کلمه قصران اطلاعی نداریم، یاقوت در معجم البلدان مینویسد که قصران داخل و قصران خارج اگرچه لفظاً تشبیه است ولی بگمان من در این مورد از ذکر این کلمه منظور تشبیه ندارند زیرا این کلمه فارسی است و هیأت جمع دارد مثل مردان و زنان که در جمع مرد و زن گفته میشود ۱.

صفی الدین عبد المؤمن در مراصد الاطلاع کلمه قصران را جمع فارسی میدانند و چنین مینویسد: «قصران جمع فارسی قصر است که برای دو موضع بکار میرود یکی را قصران داخل و دیگری را خارج گویند و این دو موضع دو ناحیه بزرگ در کوهستان ری است» ۲.

اگر قول یاقوت و گفته صفی الدین عبد المؤمن را صحیح بدانیم و الف و نون قصران را جمع انکاریم اطلاق آن بدو ناحیه کوهستانی ری مورد ندارد زیرا نه در قصران داخل نه در قصران خارج تصور و کاخهایی ساخته نشده بوده است تا کثرت تعداد آنها موجب تسمیه این دو محل شده باشد. از این گذشته این طرز تسمیه در

نواحی و قسمتهای دیگر کشورها نظیر و مانند ندارد، از طرف دیگر در کلمانی مثل طهران و شمیران و لواسان و زنجان و کرمان و نظایر آنها که شاید از صدها متجاوز باشد این الف و نون دیده میشود ولی در هیچکدام از آنها نمیتوان این الف و نون را علامت جمع دانست.

یاقوت در المشترك هینویسد: «قصران بفتح قاف و سکون صاد و راء و الف و نون لفظاً تشبیه ولی کلمه فارسی معرب است»^۱. از این عبارت یاقوت چنین بر میآید که هیأت و شکل کلمه قصران با بودن الف و نون در آخر آن شبیه تشبیه عربی است ولی ذکر اینکه این کلمه فارسی معرب است ما را متوجه مینماید که این کلمه بالینکه در ظاهر وضع و بنای تشبیه عربی را دارد ممکن است تشبیه نباشد.

شاید همین الف و نون در آخر کلمه قصران که شکل تشبیه عربی بآن داده است ابن حوقل را اشتباه انداخته باشد. وی در کتاب صورة الارض خود قصران را تشبیه قصر داخل و قصر خارج دانسته و در نتیجه این دو نام را بشکل مفرد ضبط کرده و چنین نوشته است: «و از دیهای مشهوری قصر داخل و قصر خارج و بهنان والشبر و بشاویه و دنبا و رستاق قوسین و غیر ذلك است»^۲. در صورتیکه اصطخری بجای قصر قصران نوشته و چنین ضبط کرده: «و از دیهای مشهوری قصران داخل و خارج و بهزان و السن و بساویه و دنبا و رستاق قوسین و غیر ذلك است»^۳، یاقوت هم در معجم البلدان این قسمت را از اصطخری با تغییراتی نقل کرده و چنین نوشته است: «و از دیهای مشهوری قصران داخل و خارج و بهزان و السن و بساویه و دنباوند است»^۴.

از طرف دیگر ممکن است نام قصران قاهره که مسلماً تشبیه قصر است علت اشتباه ابن حوقل باشد.

۱- المشترك وضماً و المفروق صقماً صفحه ۳۴۶ ۲- صورة الارض ابن حوقل قسم ثانی صفحه ۳۷۹ ۳- مسالك الممالك اصطخری چاپ اروپا صفحه ۲۰۹
۴- معجم البلدان چاپ اروپا جلد دوم صفحه ۸۹۴

یاقوت در معجم البلدان در باره قصر قاهره چنین نوشته است «قصران تنبیه قصر است و این دو قصر در قاهره در سمت راست بازار طرف شمال بنا شده بوده است و مسکن ملوک منسوب به علویان بوده است» ۱.

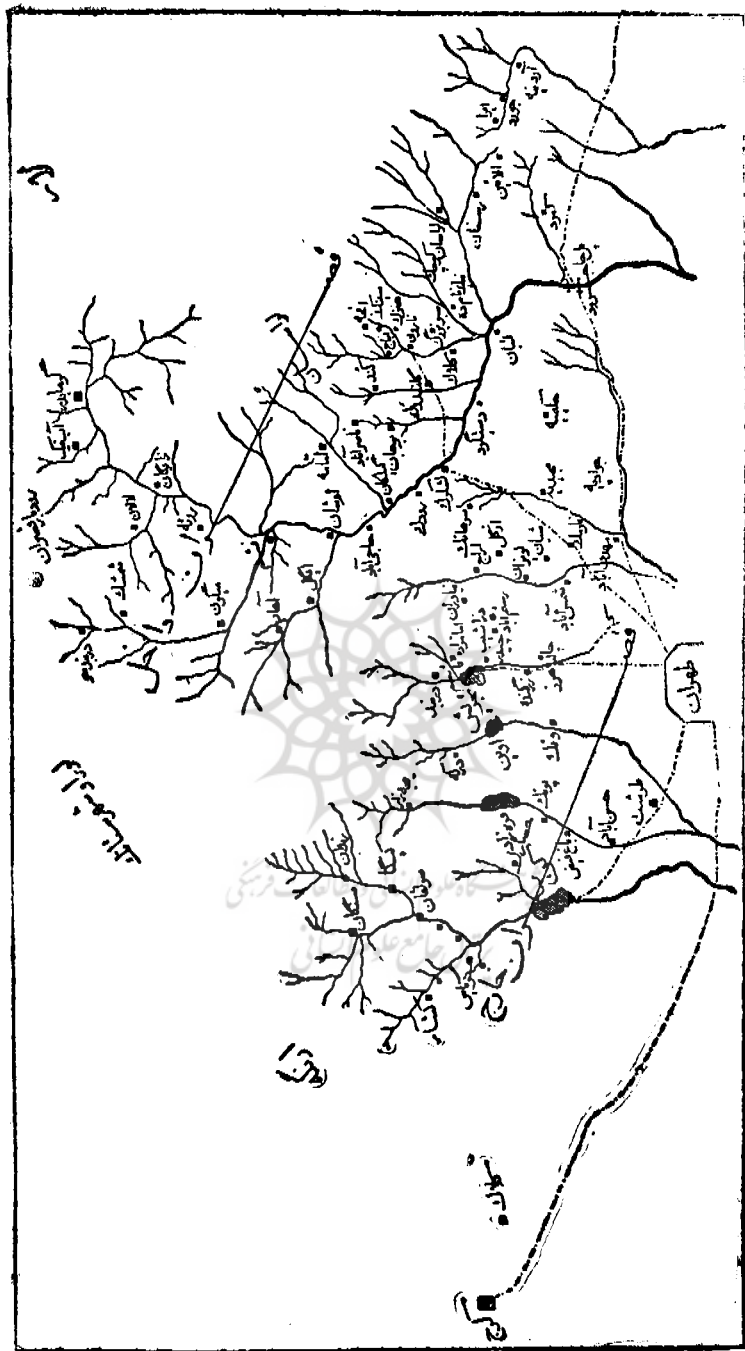
از این حوقل که بگذریم جغرافی نویسان و مورخین ایران و عرب این کلمه را بشکل «قصران» ضبط کرده اند. سماعانی با اینکه از نسائین است در باره این کلمه چنین نوشته است «قصرانی بفتح قاف و سکون صاد و راه مفتوحه بعد آن الف و در آخر آن نون نسبت بقصران است و قصران مشتمل بر دو قسمت داخل و خارج است و من شبی را در قصران خارج بروز آورده ام، این قصران در نواحی ری است و شخص مشهوری که منسوب باین محل است محمد بن آبان بن عایشه قصرانی برادر ولید بن ابان کاتب عیسی بن جعفر است...» کتاب (الأنساب سماعانی ذیل کلمه قصرانی).

مقدسی در احسن التقاسیم نوید «از شهرهای ری آوه، ساهه، قزوین، ابهر، شنبه، خوار و از نواحی آن قم، دماوند، شهر روز، و از دیهای آن قوسین، قصران داخل و قصران خارج، مسر، بهزان، قرچ، جنی، سیرا، فیروزرام» ۲.

از کلام مقدسی و عبارات دیگران که نقل کردیم چنین نتیجه میگیریم که کلمه قصران را باید بفتح قاف و سکون صاد و راه مفتوحه بعد از آن الف و در آخر نون تلفظ کرده دیگر اینکه در حومه ری دو قصران بوده است یکی را قصران داخل و دیگری را قصران خارج گفته اند و در بعضی مدارک فارسی این دو را قصران درون و قصران بیرون خوانده اند مثلاً در تاریخ طبرستان چنین آمده است «چون لارجان مسنخلص شد مردم قصران درون و بیرون جمله بخدمت ملک شهید آمدند و همه جامگی و اقطاع گرفته ۳ اما دیگر اینکه این دو قصران جزء دیهای کوهستانی شهر ری بوده است ابن کربویه رازی که از اصحاب حسین بن احمد علوی است بکوهستانی بودن این ناحیه چنین اشاره کرده است:

۱ - معجم البلدان چاپ اروپا جلد دوم صفحه ۸۹۴ ۲ - احسن التقاسیم مقدسی

چاپ صفحه ۳۸۶ ۳ - تاریخ طبرستان صفحه ۱۱۱



فصران داخل و خارج

یا منیة هیجت شوقی و احزانی
 و در بیت سی و پنجم میگوید :
 و شرّ دونی عن صحبی و عن ولدی
 حتی لجات الی اجبال قصران ۱

الحال که دانستیم درحوزه ری دو قصران بوده است برای محدود کردن این دو ناحیه مجبوریم بعضی از اسناد و مدارک را که از قدما یا متأخرین بدست داریم نقل کنیم :

قصران درونی یا قصران الداخل

علت اینکه این ناحیه را قصران درونی یا قصران داخل گفته اند این است که این ناحیه کوهستانی است و آبادیهای آن داخل دره های فرعی جاجرود است . کلمه قصران هنوز در اسناد و مدارک دولتی ما دیده میشود من جمله در کتاب «اسامی دهات کشور» که در شهریور ماه هزار و سیصد و بیست و سه چاپ شده است نام پانزده آبادی را بشرح ذیل جزء رودبار قصران لواسانات مینویسد :

- ۱- ایگل ۲- اوشان ۳- آهار ۴- آب نیک ۵- امامه ۶- حاجی آباد
- ۷- دربندسر ۸- روده ۹- زاگیان ۱۰- شمشک ۱۱- فشم ۱۲- کلکان ۴
- ۱۳- گرم آب در ۱۴- لالان ۱۵- میگون .

ولی در قدیم آبادیهای دیگر لواسان بزرگ و لواسان کوچک فعلی که در حدود چهل پاره آبادی است نیز جزء قصران داخل بوده است . برای اثبات مدعای ما همین بس که «سینک» و «حزک» که فعلاً جزء لواسان کوچک است در تاریخ طبرستان و رویان سید ظهیرالدین جزء قصران ذکر شده است باین شکل : « بعد از غلبه سادات بر آمل بقیه السیف چلاویان کیا اسکندر و دوسه فرزند زاد های صغار افراسیاب را برداشته و بگریختند باین خیال که در کوهستان مازندران بمانند آنجا هم ایشان را

۱- مختصر کتاب البلدان ان قیة طبع ایند ۲۷۳ ۲- فلا رودک تلفظ میشود .

۳- بتلفظ امروزی زاگون . ۴- امروز آنرا کیلگون تلفظ میکنند .

جای نداده بلارجان رفتند در لارجان هم قرار پیدا نکردند و روی بولایت قصران نهادند و بملوک استندار پناه جستند چون ملوک گاوباره نظر بر اصالت خود کردند دانستند که اطفال را در جرایم بدران و بدکاری ایشان دخلی نیست قریه حنرك ۱ و سینك را بدیشان مسلم داشتند ۲ .

در همین کتاب تاریخ طبرستان سید ظهیرالدین مینویسد : «علی کاهه در قصران بکنار جاجه رود قصر بنیاد کرد و آنجا می بود و الحال آن وادی را کوشك دشت میخوانند و تلی که در آنجاست قصر علی کاهه بوده است ۳ محل این قصر را محمدحسن خان اعتماد السلطنه در مرآة البلدان زیر دست «گل هندوئک» تعیین کرده است ۴ .

یا قوت در معجم البلدان چنین مینویسد :

«وجوسق کوشك خلیفه است در جوار ری که از دیهای قصران داخل بشمار

است ۵ .

امین احمد رازی در هفت اقلیم نوشته است : «ولایت ری ابتدا نه بلوک بوده است بدین موجب که نوشته میشود - غار - فشابویه بهنام - سیورقزج - خوار - زرند - ۱ - فجان - شمران - شهریار - ساوجبلاغ و در نزهة القلوب آمده که رودبار قصران نیز از توابع ری بوده است و در عهد غازان خان تعلق بر ستمدار گرفته و در این زمان چهار بلوک نخستین را ری اعتبار کرده اند و باقی را علیحده ساخته اند ۶ .

۱ - این کلمه بدون شك در اصل حنرك (هنرك) بوده است نسخ در نسخه های قدیم ویا حروفچین در چاپ فعلی اشتباه کرده است . این آبادی در جنوب سینك و سینك در جنوب افجه و هر سه آبادی در کنار رودخانه افجه بنا شده اند . نام حنرك (هنرك) تا امروز باقی است و بر همین آبادی اطلاق میشود .

۲ - تاریخ طبرستان و رویان و مازنهران سید ظهیرالدین چاپ درن صفحه ۳۵۲ .

۳ - ایضاً صفحه ۳۱۴ . ۴ - مرآت البلدان ذیل کلمه «جانپج» .

۵ - معجم البلدان ذیل کلمه جوسق .

۶ - هفت اقلیم (اقلیم چهارم - عراق عجم طهران وری)

بنوشته امین احمد دو ایراد داریم یکی آنکه او سنت قدماء را حفظ نکرده است چه قبل از زمان او کلمه شمران بقسمت یا ناحیه‌ای اطلاق نمیشده است و قدماء همین ناحیه شمران فعلی را قصران خارج نوشته‌اند و شمران نام قلعه‌ای در قصران خارج بوده است که سید ظهیرالدین در کتاب تاریخ گیلان و دیلمستان خود در چند مورد بآن اشاره کرده است ۱ و در تاریخ طبرستان او نیز ذکر ری از این قلعه رفته ممکن است بعد ها نام این قلعه که اهمیتی بسزا داشته بر ناحیه‌ای که سابقاً قصران خارج میگفته‌اند اطلاق شده است . ثانیاً عبارتی را که از نزّهة القلوب ذکر کرده بهیچوجه در نزّهة القلوب چاپ لیدن نیست و معلوم نیست امین احمد این عبارت را از کی آورده است .

گویا نوشته امین احمد برای اولین جائیست که در آن شمران داخل بنام رود بار قصران خوانده شده و کلمه رود بار صریحاً نشان میدهد که آبادیهای این ناحیه برکنار و ساحل رود بنا شده‌اند .

در تاریخ طبرستان چنین آمده : « چون طغرل بدامغان رسید و آن ولایت هنوز بحکم شاه اردشیر بود مثال نبشت تا چند آنکه آنجا باشد علوفه دهند و با قزل ارسلان عهد کرد و خوار و ری بادبوان گرفت و بدوازده هزار دینار رازی آن روز قلعه انبامه از امیران قصران بنایبان خویش سپرد ۲ .

و همو میگوید که : « چون شاه با آمل آمد و بیابان قلعه امامه قصران شد با لشکر قتیبه و مستخلص کرد و رئیس قصران عادل نام را آنجا بنشانند بمدت هفت هشت ماه ۳ .

با نقل این دو جمله از تاریخ طبرستان چنین نتیجه میگیریم که اولاً انبامه (امامه فعلی) جزء قصران داخل شمرده میشده . ثانیاً آنجا مرکز حکومت جداگانه‌ای

۱ - تاریخ گیلان و دیلمستان سید ظهیرالدین صفحه ۱۲۴ و ۱۵۴ .

۲ - تاریخ طبرستان حسن بن اسفندیار قسم ثانی صفحه ۱۵۲ .

۳ - کتاب سابق الذکر صفحه ۱۵۵ .

بوده است و از امرای محلی چند تن در آنجا حکمرانی میکردند. با ذکر مدارک مذکور و شواهدی که ذیلاً می آوریم میتوانیم حدود قصران داخل را بشرح ذیل تعیین کنیم :

قصران داخل از شرق محدود است با لارجان و دماوند ، از شمال برویان (کجور ونور) ولار از غرب بطالقان و لورا ، از جنوب بقصران خارج . در اغلب متون تاریخی و جغرافیایی نام قصران با نام یکی از این نواحی یکجا ضبط شده است مثلاً در تاریخ طبرستان سید ظهیرالدین چنین آمده :

« و اسم مازندران محدثست زیرا که مازندران در زمین مغربست و در اصل موسوم بیشه نارون و بیشه تمیشه هم میخواندند و بتجدید مازندران میگفتند، بسبب آنکه ماز نام کوهی است از حدگیلان کشیده است تا بلاد قصران و همچنین تا بجا جرم ۱ .
ایضاً :

« و واقعاً رستم دار را درین مدت تا رویان و قصران و نواحی آن آبادانی نماند ۲ . و نیز :

« حسین بن زید بیست و سه روز بدناوند بماند رؤسای لارجان و قصران پیش او آمدند ۳ .

و همچنین درجائی دیگر گوید :

« بعد از مدتی سلطان عباس را که والی ری بود با تمامی لشکر خراسان و ری و دماوند و قصران و رویان و لارجان و کلار بمازندران بسر شاه غازی رستم فرستاد ۴ »

قصران بیرونی یا قصران الخارج

راوندی در راحة الصدور در ذکر طفول اوّل سلجوقی مینویسد : « آنگاه سلطان از تبریز بسوی ری رفت تا زفاف بدارالملک باشد اندک مایه رنج بروی مستولی

۱ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران سید ظهیرالدین چاپ درن صفحه ۲۱ .

۲ و ۳ - کتاب سابق الذکر صفحه ۱۲۹ . ۴ - ایضاً صفحه ۵۶ .

شد بقصران بیرونی بدر ری بدیه طجرشت از جهت خنکی هوا نزول فرمود چه حرارت هوا بغایت بود، رعاف بروی مستولی شد و بهیچ دارو امساک نپذیرفت تا قوت ساقط شد از دنیا برفت در رمضان سنهٔ خمس و خمسین و اربعمایه ۹۱.

از این بیان راوندی چنین مستفاد میشود که اولاً قصران بیرونی (قصران خارج) بدر ری بوده است ثانیاً دیه طجرشت (تجریش) از دیهای قصران بیرونی است استاد محترم آقای عباس اقبال در مجلهٔ یادگار سال اول شمارهٔ دوم چنین نوشته‌اند: «شبه‌ای نیست که این قریهٔ طجرشت که بدر ری و جزه قصران سفلی بوده و بخنکی هوا شهرت داشته همین تجریش حالیه است» ۹۲.

از تجریش که بگذریم قریهٔ ونک را که در جنوب غربی تجریش قرار دارد اسمانی جزه قصران بیرونی ری دانسته و اینطور نوشته است «ونک بفتح واو و نون در آخر آن کاف و آن قریه‌ای از قرای ری است که من در سفر بسمت قصران خارج (همان قصران بیرونی که شمیران کنونی جزه آن بوده) از آنجا گذشتم» ۹۳.

حمدالله مستوفی در تزهة القلوب در ذکر نومان ری چنین مینویسد «قلعهٔ طبرک بجانب شمال در پای کوه افتاده است و ولایت قصران در پس آن کوه افتاده است» ۹۴ بعد از حفریات ری محل قلعهٔ طبرک بر ما روشن شده است و امروز آثاری از آن قلعه نیز برجاست. این قلعه در دامنهٔ جنوبی یکی از رشته‌های کوه «سه پایه» که در شمال ری قدیم بوده است قرار دارد و آبادیهای قابل ذکر پشت این کوه آبادی‌های شرقی شمیران فعلی است.

کن که از آبادیهای مهم اطراف طهران است در زمان یاقوت از قرای قصران محسوب میشده است و او در معجم البلدان از این آبادی چنین یاد میکند: «کن بالفتح

۱- راحة الصدور صفحهٔ ۱۱۲ . ۲- مجلهٔ یادگار سال اول شمارهٔ دوم صفحهٔ ۱۶

۳- کتاب الانساب ورق ۵۸۶ بنقل از مقالهٔ استاد محترم آقای اقبال از مجلهٔ یادگار .

۴- تزهة القلوب چاپ لندن صفحهٔ ۵۳ .

تم التشديد مصدر كنت الشيء اذا جعله في كنه. اكنه كناً اسم جبل وكن ايضاً من قري قصران ١.

همين مؤلف «أذن» را قريه ای از نواحی کوره قصران خارج مینویسد ٢ و «دزاه» از دیهای قصران می شمارد ٣.

در تاریخ طبرستان چنین دیده میشود: «چون نوید شدند و با اصفهید چیزی بدست نداشته بعد و قرار و موافقت بازگشتند و اتابك محمد را بری بنشانده و ضیاع کهن قصران بیرون با اصفهید داده ٤».

محمد حسن خان اعتماد السلطنه نتیجه مطالعات خود را درباره قصران در نامه ای بدژن مستشرق روسی در تاریخ سه شنبه هفتم جمادی الاولی سنه ١٢٩٦ چنین نوشته است:

«البته آنجناب اطلاع دارند و در کتب مورخین و جغرافیائی قدیم ایران و عرب علی الخصوص معجم البلدان یا قوت حموی و غیره ملاحظه فرموده اند که بلوک قصران را در حوالی ری ضبط کرده اند و دو قصران فرض نموده اند قصران علیا و قصران سفلی و آنچه محققین این مأیه بتحقیق یافته اند قصران سفلی عبارت از بلوک شمیران است که در جلگه طهران در دامنه رشته البرز از قریه کلاک واقع در سمت شرق رود کرج الی چاهک که الحال حکیمیه معروف است امتداد دارد و قصران علیا همین لواسانات را میگویند که از گردنه کوچک طرف شمال جلگه طهران که شخص سرازیر شده از رودخانه جاجرود عبور نموده سمت شمال این رودخانه اول بلوک لواسانات است که بدو لواسان تقسیم شده لواسان بزرگ و لواسان کوچک و این لواسانات را حالا هم قصران علیا میگویند ٥».

١ - معجم البلدان ذیل کلمه «کن».

٢ - همان کتاب ذیل کلمه «أذن» و ذیل «قصران الداخل».

٣ - کتاب مذکور ذیل کلمه «دزاه». ٤ - تاریخ طبرستان قسم دوم صفحه ١١٢

٥ - مرآت البلدان جلد چهارم صفحه ١٠.